



# نهضت کوچک خان جنگلی

دوره سوم

«جمهوری دوم»

جمهوری سویت‌های ایران

از ۲۴ ذی‌قعدة ۱۳۳۸/۱۸ مرداد ۱۳۴۹/۱۰ اوت ۱۹۲۰ تا ۱۶ شوال ۱۳۳۹/اول تیر

۱۳۰۰/۲۳ ژوئن ۱۹۲۱

دکتر فریدون عبدلی فرد

شوروی حمایت می‌شدند.

در تاریخ ۲۳ شوال ۱۳۳۸ ق.ه/ ۱۹ تیر ۱۳۱۱ شمسی / ۱۰ ژوئن ۱۹۲۰، ارتش سرخ در کرانه‌های قازیان و انزلی پهلو گرفته و آن جا را اشغال نمود. از چند روز قبل از این اقدام روسها، تعدادی از اعضای حزب عدالت باکو بتدریج به گیلان وارد شده و با همکاری و همیاری کمونیستهای نهضت جنگل تشکیلات جدید حزبی به نام «حزب عدالت» را در گیلان پی ریزی کردند و صف خود را از بقیه‌ی مجاهدان جدا نمودند و با انتشار روزنامه‌ی «کمونیست» به مدیریت سید جعفر جوادزاده، که مبلغ و ارگان حزب بود تبلیغات حزب خود را شدت داده، بعد سازمان جوانان را تاسیس نموده و توسط آن دست به انجام میتینگهای روزانه زدند.

میرزا و یارانش به علت مخالفت با تبلیغات کمونیستها، یک بار در تاریخ جمعه ۲۲ شوال ۱۳۳۸ / ۱۸ تیر ۱۳۹۹ / به حالت قهر بعد از دادن استعفا، رشت را ترک کرده و به جنگل رفتند ولی در اوایل ذی‌قعدة دوباره به رشت برگشته و بظاهر بر اوضاع مسلط شدند ولی به علت آمدن نیروهای شوروی به انزلی و تسخیر شهر و شدت گرفتن فعالیت‌های

از ۲۴ ذی‌قعدة ۱۳۳۸/۱۸ مرداد ۱۳۴۹/۱۰ اوت ۱۹۲۰ تا ۱۶ شوال ۱۳۳۹/اول تیر ۱۳۰۰/۲۳ ژوئن ۱۹۲۱ دو دستگی موجود در تشکیلات نهضت جنگل که از روز اول باعث دوگانگی برنامه‌ها و تشدید اختلافها، میان میرزا کوچک خان و یارانش از یک سو و کمونیستهای اعزامی از قفقاز و کارشناسان شوروی از سوی دیگر، شده بود، روز به روز شدت پیدا می‌کرد و عمده‌ترین این اختلافها بر سر مخالفت میرزا با تبلیغ مرام اشتراکی میان مردم و آماده کردن افکار عامه برای اجرای مرام بولشویکی در ایران بود.

به همین جهت و به علت اعتماد بیش از حدی که میرزا کوچک به کمونیستها داشت، هنوز یک ماه از قیام و ایجاد جمهوری اول نگذشته و مرکب اعلامیه آن خشک نشده بود که اختلافها بالا گرفت و بتدریج علی‌رغم موافقت‌هایی که در انزلی میان میرزا و فرماندهان روس انجام شده بود، طرفداران مرام کمونیستی مثل احسان الله خان و خالو قربان و سید جعفر جوادزاده (پیشه‌وری بعدی) بشدت در پی تشدید فعالیت‌های تبلیغاتی جهت استقرار مرام بولشویکی بودند و در پشت پرده نیز از طرف عوامل

تبلیغاتی و کودتاگونه‌ی کمونیستها مجبور شدند برای بار دوم در تاریخ ۱۲ ذی‌قعدة ۱۳۳۸ / ۶ مرداد ۱۳۲۹ شهر رشت را ترک نموده و همگی به فومن بروند.

در همین زمان بود که میرزا کوچک با نوشتن نامه‌هایی به سران شوروی که توسط دو تن از یارانش ارسال شد، اعتراض خود را به آنان اعلام و درخواست نماید دوباره درباره‌ی روند آینده‌ی انقلاب و نهضت جنگل بحث و گفت‌وگو شود.



کمونیستها پس از رفتن میرزا از رشت تبلیغات و میتینگهای خود را شدت بخشیده و به مجرد با خبر شدن از قهر میرزا و نامه‌ی شکواییه‌ی وی به سران شوروی، برای انجام دادن کودتا و قبضه کردن قدرت تعجیل نمودند و سرانجام در تاریخ ۱۴ ذی‌قعدة ۱۳۳۸ / ۹ مرداد ۱۳۲۹ / ۳۱ ژوئیه ۱۹۲۰ پس از مذاکراتی که بین کمونیستهای نهضت و عوامل روسیه شوروی در انزلی، برای تشکیل یک کمیته‌ی انقلابی و دولت اشتراکی جدید، انجام شد، کودتا به نتیجه رسید و شهر به دست کمونیستها افتاد و بی‌درنگ بعد از تشکیل کمیته‌ی مرکزی با نام «کمیته‌ی نجات ملی ایران» دولت جدیدی تحت ریاست احسان الله خان دوستدار تشکیل گردید و به دنبال آن کلیه اعضای نهضت جنگل و غیر کمونیستهای نهضت که در رشت مستقر بودند و از میرزا طرفداری می‌کردند یا دستگیر، یا کشته و یا متواری شدند.

کودتاچیان به دنبال تسلط بر اوضاع شهر و در ادامه‌ی عملیات خود بر تعقیب مخالفان با تجهیزات کامل از جمله توپخانه، برای از بین بردن کوچک خان و طرفدارانش به جنگل نیز حمله ور شدند ولی نتیجه‌ی بی‌اثر این عملیات آخر خود نگرفتند، برعکس باعث منسجم شدن قوای پراکنده‌ی جنگل نیز گردیدند.

کمیته‌ی مرکزی حزب کمونیست، درست از زمانی که یک ماه از استقرار جمهوری اول گذشته بود، با اعلام این مطلب که کوچک خان از کلیه سمتهای دولت انقلابی معزول شده، حکومت جدید کمونیستی را با نام «حکومت جمهوری سوتیه‌ی ایران» اعلام نموده و اعضای دولت انقلابی جدید را به شرح زیر به اطلاع مردم رسانید.

سر کمیسر و کمیسر خارجه: احسان الله خان

کمیسر جنگ: خالوقربان

کمیسر کشور: جوادزاده

کمیسر پست و تلگراف: سید جعفر محسنی (صومعه

سرای) ۱

کمیسر دادگستری: رضا آقا زاده

کمیسر فوائد عامه: آقاییف (بهرامی)

کمیسر فرهنگ: حاجی محمد جعفر کنگاوری

بدین ترتیب کلیه‌ی ادارات نیز توسط اعضای دولت کمونیستی جدید تسخیر و تحت کنترل درآمد. در پست خانه و تلگراف خانه سانسور برقرار شد و کلیه‌ی راهها تحت نظارت قرار گرفت که نتیجه‌ی آن مسدود شدن راه ارسال اخبار و اطلاعات و تفتیش و تحت کنترل قرار گرفتن اخبار و مراسلات رسیده بود.

دولت جدید بلافاصله اصول برنامه‌های خود را به شرح زیر اعلام نمود:

۱. تشکیل ارتش سرخ، مشابه ارتش سرخ روسیه و حمله به تهران

۲. لغو اختیارات مالکین و مصادره‌ی املاک آنها

۳. رفع احتیاجات اصلی کارگران شهر و دهات و بخشودگی مالیاتها

۴. تبلیغ رسمی مرام کمونیستی

به دنبال آن، اموال و املاک مالکین بزرگ محلی مثل وثوق الدوله، سپه دار و امین الدوله مصادره و عواید آن بین زارعین و کمیته‌ی انقلاب تقسیم گردید. در طی این مدت در حالی که تبلیغات شدیدی علیه میرزا در شهرها انجام می‌شد، کوچک خان نیز بی‌کار نبود و طی اعلامیه‌های متعددی مردم را در جریان اصلی ماجرا قرار می‌داد.

در این میان کمونیستها از اوضاع اجتماعی و زندگی مردم به کلی بی‌اطلاع و با آن بیگانه بودند و ندانسته به اعتقادات مذهبی مردم نیز حمله می‌نمودند. طبیعی است



که مردم به گفته ها و نوشته های میرزا بیشتر اطمینان می کردند و از همکاری و همفکری با کمونیستها خودداری و در مقابل برنامه های آنان مقاومت می نمودند.

در تاریخ ۱۸ ذیحجه ۱۳۳۸ / ۱۳ مرداد ۱۳۹۹ / ۴ اوت ۱۹۲۰ کمونیستها به طور رسمی حکومت جمهوری شورایی را اعلام و دستور ایجاد شوراهای کارگری را اعلام کردند.

کار روزانه ی ادارات مختلف طبق روال سابق ادامه داشت منتهی با روسا و کارمندان کمونیست شده.

در اداره ی پست نیز کنترل مکاتبات و سانسور نامه های مردم دایر بود. استفاده از تمبر «کاهو آهنگر» نیز کما فی السابق ادامه داشت و برای ابطال آن مهری تهیه شده بود که در بالای آن کلمه «روت» و در زیر آن متن «ارتباطات مجاهدین قشون سرخ ایران ۱۳۰۰» و در وسط آن دو تفنگ و پرچم به صورت متقاطع حک شده بود.

به احتمال قریب به یقین در همین زمان است که جمهوری شورایی گیلان و روسیه بلشویکی ضمن مکاتبات و درخواستهای مختلف و متنوع خود، قرار ارسال چاپخانه یی برای نشر اسکانس و تهیه ی اوراق بهادار (از جمله تمبر پست) به رشت را نیز گذاشت و تا رسیدن ماشین چاپ فوق درخواست تهیه و ارسال تمبرهای پستی جدیدی مطابق با مرام جمهوری جدید را نموده اند.

این تمبرها چاپ شد ولی فرصت توزیع و استفاده از آن فراهم نشد و در همان کشور شوروی باقی ماند و بعدها توسط افراد مختلف از شوروی خارج و به دست کلکسیونرهای تمبر رسید.

از تمبرهای فوق آنچه تاکنون دیده شده ۱۱ رقم (طبق کاتالوگ تمبر عباسیان) می باشد و مشخصات آنها به شرح زیر است:

#### A- ارقام شاهی

۱. یک شاهی بنفش با تصویر سربازی نشسته در حال شلیک

۲. دو شاهی قهوه یی تیره با تصویر سربازی نشسته در حال شلیک

۳. سه شاهی سبز روشن با تصویر سربازی نشسته در حال شلیک

۴. چهار شاهی سبز تیره با تصویر سربازی نشسته در حال شلیک

۵. پنج شاهی قرمز با تصویر سربازی نشسته در حال شلیک

۶. ده شاهی آبی با تصویر سربازی نشسته در حال شلیک

۷. دوازده شاهی زرد با تصویر سربازی نشسته در حال شلیک

#### B- ارقام قرانی

۸- یک قران خاکستری تیره با تصویر ۵ سرباز مجاهد

۹- دو قران سبز روشن با تصویر ۵ سرباز مجاهد

۱۰- ۵ قران آبی با تصویر ۵ سرباز مجاهد

۱۱- دو قران نارنجی با تصویر ۵ سرباز مجاهد ۲

حکومت بلشویکی گیلان به علت جدا شدن از مجاهدین جنگل و حتی مقابله با آنها که منجر به عدم استقبال و کناره گیری مردم از برنامه هایشان شد بسرعت دچار ضعف و تشتت گردید.

در همین زمان قوای اعزامی از تهران به سرکردگی رضا خان میرپنج (رضا شاه) نیز از فرصت استفاده کرده از دو طرف به شمال حمله کرد. در اولین حمله، منطقه ی مازندران را از حوزه ی نفوذ و قدرت کمونیستها خارج نمود. در مرحله ی بعد و



توسط جناح دیگر بعد از

تسخیر راه قزوین - رشت و تحت کنترل در آوردن آن فوری به رشت حمله نموده در تاریخ ۸ ذیحجه ۱۳۳۸ / ۳۰

مرداد ۱۳۹۹ / ۲۳ اوت ۱۹۲۰ موفق شد کمونیستها را از شهر رانده و آن جا را تسخیر نماید ولی بعد از تعقیب آنها

تا پیر بازار، به علت کمک قشون سرخ روسیه به کمونیستها، قوای دولتی مجبور به عقب نشینی شدند و کمونیستها

دوباره در تاریخ ۲۲ ذیحجه ۱۳۳۸ / ۱۵ شهریور ۱۳۹۹ / هفتم سپتامبر ۱۹۲۰ شهر رشت را تسخیر نمودند.



۱۳۰۰ شمسی / اواخر ژوئن ۱۹۲۱، با یک کشتی حامل مقداری اسلحه و ارزو یک دستگاه ماشین چاپ برای تهیه ی اوراق رسمی و اسکناس و غیره ... از باکو وارد بندر انزلی شد و از آن جا یکر است خود را به جنگل و محل استقرار کوچک خان رسانید و چنان که گذشت کار خود را در دولت و کمیته ی انقلابی جدید شروع کرد.

## دوره چهارم

### « جمهوری سوم »

#### « حکومت جمهوری شوروی ایران »

پس از آمدن حیدر خان به گیلان و مذاکرات نهایی با کمونیستها و جنگلیها و رفع اختلافات و توافق درباره ی برنامه های آینده ، جمهوری سوم و دولت جدید در دهم ذیحجه ۱۳۳۹ / ۲۳ مرداد ۱۳۰۰ / ۱۵ اوت ۱۹۲۱ تشکیل و با اعلامیه ی زیر به اطلاع مردم گیلان رسانیده شد :

#### اعلان

۲۳ برج اسد ۱۳۰۰

کمیته ی انقلاب ایران از تاریخ تشکیل و افتتاح خود تا امروز به حل و تصفیه ی قضایای عمده ی اساسی مشغول بوده به این جهت اصلاحات و تنظیمات دوایر داخلی بر عهده ی تعویق افتاد . در صورتی که نقطه نظر کمیته ی انقلاب نه تنها استقرار آزادی و مبارزه با شاه و شاه پرستان و دشمنان انقلاب است بلکه در همه حال تهیه ی آسایش عامه را وجهه ی همت و مراقبت خود ساخته .  
الحال برای این که به انتظامات جماعت خاتمه داده و آنها را مطمئن نماید که کمیته در آتیه هم خود را مصروف راحت عامه خواهد نمود شروع به اصلاحات و تنظیمات نموده و برای این که امورات دارای حسن جریان بوده و در حد ود افراط و تفریط و عدم صحت سیر نکند و مجالی برای اشخاص منفعت پرست و هرج و مرج طلب باقی نماند دوایر مملکتی را بر ۵ پست تقسیم کرده و هریک از اعضای کمیته لزوما یک پست را عهده دار شدند .  
مالیه به ضمیمه ی فوآئد عامه، خارجه به ضمیمه ی تجارت و پست تلگراف و تلفن، جنگ، داخله و بالاخره قضایی به ضمیمه ی معارف.

این دست به دست شدن شهر رشت چندین بار ادامه یافت ولی سر انجام در تاریخ ۱۹ صفر ۱۳۳۹ هـ ق / ۱۰ آبان ۱۲۹۹ / دوم نوامبر ۱۹۲۰ قوای دولتی بعد از وارد کردن شکستی سخت به کمونیستها ، آنان را برای مدتی طولانی از رشت راندند . ولی کمونیستها پس از یک ماه دوباره و بتدریج به رشت برگشته و قدرت را در دست گرفتند و قوای دولتی مجبور به تخلیه ی تدریجی شهر شدند .

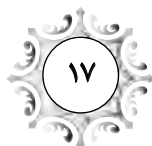
«کمیته ی انقلابی ایران» هنگام اقامت یک ماهه ی خود در انزلی دست به تغییراتی در نحوه ی اداره ی جمهوری گیلان در آینده زد . این اقدام به صورت لغو نمودن کمیسرهای ملی و تشکیلات دولت انقلابی اولیه بود که به جای آن تشکیلات جدیدی را به عنوان هیات اول جدید با نام «هیات مسولین» تصویب کرد .

برنامه های این هیات بظاهر بدون هیچ گونه دخالتی از طرف روسها انجام می شد و کلیه ی اعضای آن را افراد محلی حزب کمونیست تشکیل می دادند . ریاست هیات مسولین را با عنوان سر کمیسر باز هم احسان الله خان دوستدار عهده دار بود .

دولت جدید بتدریج اداره ی امور شهر را بر عهده گرفته و بر اوضاع داخلی شهر مسلط شد ولی به علت عدم استقبال مردم موفق به انجام دادن هیچ برنامه یی نشد، لذا سردمداران آن متوجه اشتباهات خود شدند و با ارسال نامه ها و مکاتبات و فراوان خواستار آشتی با کوچک خان گردیدند.

نتیجه ی مکاتبات میرزا و احسان الله خان و بلشویکهای روسیه و قفقاز مستقر در گیلان، آشتی آنها در اول رمضان ۱۳۳۹ هـ ق / اواخر اردیبهشت ۱۳۰۰ و ایجاد یک کمیته ی انقلابی جدید بود که اعضای آن را کوچک خان، احسان الله خان ، خالو قربان و محمدی تشکیل می دادند .

در همین زمان بود که سران بلشویک روسیه به علت عدم توفیق انقلابیون رشت در برنامه های خود از نظر توسعه ی حوزه ی نفوذ و از بین بردن جنگلیها ... با توجه به مکاتبات متعددی که بین آنان با کوچک خان انجام شد، تصمیم به اعزام نماینده برای تحقیق و بررسی علل شکست کمونیستها و در صورت امکان کوشش در جهت آشتی دادن جنگلیها و کمونیستها گرفتند . نماینده ی اعزامی همان حیدر خان عمو اوغلی مجاهد زمان انقلاب مشروطیت بود . حیدر خان در نیمه ی دوم ذیقعه ۱۳۳۹ / اوایل مرداد





خالومراد: رییس ستاد  
واحدهای تحت امر کوچک  
خان  
الکساندروف: آجودان  
خالومراد

اعضای کمیته ی انقلاب  
و هیات دولت در جلساتی به  
صورت هفتگی یا در مواقع  
ضرور دوبار در هفته در انزلی  
یا کسما یا ملاسرا (روستایی در  
۹ کیلومتری رشت) گرد هم آمده  
و درباره روند برنامه های آینده ی  
نهضت به شور و مشورت  
می پرداختند و برای بازسازی و

برنامه های اجرایی ادارات بخصوص در زمینه ی بهداشت،  
فرهنگ، ارتباطات و امنیت اجتماعی و رفاه عمومی تصمیم  
گیری می کردند، به طوری که در همان روزهای اول موفق  
به انجام دادن بسیاری از برنامه های از پیش تعیین شده  
خود گردیدند، ولی متأسفانه مدت این هماهنگی بسیار  
کوتاه بود، چون دوباره بعد از چند روز اختلافها شروع شد  
و با گذشت زمان شدت پیدا کرد و شکاف بین افراد نهضت  
جنگل و کمونیستهای شوروی گیلان بیشتر شد.  
از این دو دستگی، دولت مرکزی ایران و مشیرالدوله  
صدر اعظم وقت، استفاده را در سرکوبی جمهوری گیلان  
نمودند. بویژه که در این زمان دولت انگلیس با روسیه ی  
شوروی به توافقهایی دست یافته بودند و دولت مرکزی  
ایران نیز با شوروی بر سر لغو کلیه ی قرارداد های قبلی و  
امضای قرار داد جدید به توافق رسیدند و سربازان روسیه  
بتدریج شروع به تخلیه ی بندر انزلی و شهر های شمالی را  
نمودند و طی مکاتباتی با میرزا او را از درگیری با قوای  
دولتی بر حذر داشته و تشویق نمودند که خود را تسلیم  
نماید. قوای قزاق به فرماندهی رضا خان میر پنج شروع به  
پیشروی و پاک سازی منطقه نموده و تا نزدیک رشت پیش  
آمدند.

احسان الله خان که در این میان خود را مغبون می دید،  
بلافاصله بعد از سفری کوتاه به باکو با تعدادی زیاد از  
مجاهدین طرفدار خود به مازندران برگشته و منطقه ی  
لاهیجان و رودسر و لنگرود را تسخیر نموده و از آن جا

اکنون مطابق این اعلان تشکیل حکومت جمهوری  
شوروی را به قرار ذیل بشارت می دهد:

میرزا کوچک خان: سرکمیسر و کمیسر مالیه  
حیدر عمواغلی: کمیسر خارجه، پست و تلگراف و تلفن  
خالو قربان: کمیسر جنگ

میرزا محمدی انشایی: کمیسر داخله  
سر خوش: کمیسر قضایی و معارف  
و با امیدواری کامل به فضل خدای متعال عن قریب  
آسایش و رفاه عامه در تحت مراقبت تامه و احتمام کافی  
حکومت جمهوری شوروی تهیه شده و تشکیل ادارات شوروی به  
طور رضایت بخش انجام خواهد شد.

کمیته ی انقلاب ایران

کوچک جنگلی  
خالو قربان  
حیدر عمواغلی  
محمدی  
سرخوش

به دنبال این اعلان، خالو قربان و احسان الله خان نیز  
مبادرت به صدور اعلامیه یی مبنی بر رفع اختلافات قبلی  
مجاهدین جنگل برای اطلاع مردم به شرح زیر صادر  
کردند:

متحدالمال

۲۱ ثور ۱۳۰۰

تمام نقاط گیلان: بحمدالله پیش آمدی که باعث مفارقت  
بین انقلابیون و جنگل بوده مرتفع گردید... ما با رفقای عزیز  
قدیم خودمان رفیق میرزا و سایرین اصلاح کردیم...الی  
آخر احسان الله خان  
خالو قربان  
بدین ترتیب پس از آشتی و صدور اعلامیه ها بظاهر  
اختلافها حل شده و نهضت دوره یی جدید را آغاز کرد در  
حالی که اختلافها و تضادهای فکری و عقیدتی همچنان  
باقی بود.

با توجه به اعلان مورخه ۲۳ اسد مسوول ادارات پست  
و تلگراف و تلفن که ضمیمه ی خارجه شده بود خود  
حیدرخان عمواغلی بود. ولی چند روز بعد ( در اوایل  
سپتامبر) میرزا کوچک خان طی اعلانی انتصابهای جدیدی  
را به اطلاع مردم رسانید که شامل افراد زیر بود:

میرزا محمد علی: رییس پلیس (این شخص برادر دکتر  
حشمت بود که در ماه مه ۱۹۱۹ اعدام شد)

آقا نصرالله و آقا محمود: معاونین کمیسر پست و  
تلگراف و تلفن

میرزا هادی فرج الله خان: معاون اداره سیاسی



هوای حمله به تهران و تسخیر پایتخت را نمود. لذا از طریق فیروز کوه با سه هزار سپاهی به طرف تهران حرکت نمود در پل ذغال با قوای دولتی رو به رو و درگیر شد.

نتیجه ی این درگیری شکستی بود که در اوایل مرداد ۱۳۰۰ از طرف قوای دولتی متحمل شده مجبور به فرار گردید و بسرعت خود را به انزلی رسانیده از آن جا به باکو رفت. بعد ها نیز چند بار قصد مراجعت به ایران را نمود ولی سرانجام با وجود این که از طرف رضا خان به وی تامین داده شده بود، برای همیشه در روسیه ماندگار شد.

خالو قربان نیز در رشت به علت اختلاف سلیقه با میرزا کوچک خان در زمینه ی اختیارات نظامی، شروع به مخالفت نمود و روز به روز اختلافات آنان زیاد تر شد به طوری که در اواخر

سپتامبر، میرزا به دنبال مشاجره با خالو قربان به حالت قهر رشت را ترک نموده به کسما رفت و در آن جا در خواست تشکیل کنفرانسی از سران انقلاب را برای رفع اختلافها نمود ولی خالو قربان و دیگران از آمدن سر باز زدند. در نتیجه میرزا چند روز بعد به رشت حمله نمود و بعد از درگیری شهر را تسخیر نموده خالو قربان را دستگیر ولی دوباره وی را بخشیده و مصدر کارش قرار داد. ولی اختلافها هنوز وجود داشت که واقعه ی ملاسرا پیش آمد و این واقعه نقطه ی آغازی بود در انفجار و از هم پاشیدگی نهایی انقلاب و نهضت جنگل و شکست نهایی جمهوری شوروی گیلان.

روز ۲۶ محرم ۱۳۴۰ هـ ق/ ۷ مهر ۱۳۰۰ شمسی، وقتی سران کمیته طبق قرار قبلی در ساختمان محل جلسه واقع در ملاسرا گرد هم آمده بودند، قبل از آمدن میرزا، ساختمان توسط طرفداران وی محاصره و درگیری شروع و بالاخره ساختمان به آتش کشیده شد. خالو قربان و حیدر عمو اوغلی خود را از معرکه نجات دادند ولی بقیه از جمله سرخوش کشته شدند.

خالو قربان بسرعت خود را به رشت رسانیده همراه با نیروهایش و حاجی محمد جعفر کنگاوری در اولین فرصت تسلیم نیروهای دولتی شده و امان نامه دریافت می نمایند. حیدر خان که زخمی شده بود در بین راه توسط طرفداران میرزا شناخته شده و دستگیر و بی درنگ به

دستور معین الرعايا تیر باران می شود.

قوای دولتی، در دوم نوامبر، رشت را به تصرف خود درآورده با پخش اعلامیه هایی در تشویق جنگلیها به آتش بس و تسلیم و بالاخره حمله ی همه جانبه به جنگل را نیز آغاز کرده و در طی ده روز بقیه ی نیروهای جنگل را تار و مار کردند. (۲۱ مهر ۱۳۰۰).

فقط میرزا و رفیق همیشگی وی کائوک موفق به فرار شدند و بدین ترتیب حکومت هفده ماهه ی جنگلیها و کمونیستها با تار و مار شدن آنها پایان یافت. میرزا به قصد رفتن به خلخال از طریق کوههای طالش، پس از مدتی سرگردانی در مناطق جنگلی سر انجام گرفتار برف و کولاک شده در روز ۵ ربیع الثانی ۱۳۴۰/۱۴ آذر ۶/۱۳۰۰ دسامبر ۱۹۲۱ به علت سرمازدگی شدید از پای در می آید و توسط افراد روستایی محل شناسایی و به رشت خبر داده شده و بلافاصله سر وی را به رشت می فرستند.

سر میرزا را خالو قربان پس از شناسایی، به منظور ابراز وفاداری در یازدهم دسامبر به رسم ارمغان و نقطه ی پایان نهضت جنگل به تهران برده به رضا خان تقدیم نموده و در ازای آن بالقب سالار مظفر و درجه ی سرهنگی وارد ارتش می شود و چندی بعد او نیز در جنگ سپاه دولتی با سمیتقو در غرب، توسط یکی از یارانش کشته می شود.

بدین ترتیب، زندگی میرزا، مردی که در طول ۷ سال بزرگترین انقلاب اعتراض آمیز را علیه تمام عوامل غیر ملی و متجاوزین به ایران ایجاد و سامان دهی کرد با مرگ وی در ۵ ربیع الاول ۱۳۴۰ هـ ق به اتمام رسید.

پس از شکست قطعی انقلابیون و تسخیر رشت توسط قوای قزاق، مقامات دولتی گیلان نیز تعیین و معرفی شدند. در این میان سعد الملک به عنوان حاکم جدید و اسد الله میرزا ملقب به مبشر السلطنه نیز به عنوان رییس پست و تلگراف بودند که کار خود را شروع کردند و «شوروی بدون هیچ توجه و احترام به منافع مردم ایران و بدون کمترین احترامی به قراردادهایی که خود در زیر آنها دستینه نهاده بود فقط و فقط به حساب رشد منافع خویش ... انقلاب جنگل را از درون دچار تشتت و انفجار کرد.



## گاهشمار وقایع نهضت جنگل

۲۶ شعبان ۱۳۳۸ / ۲۵ اردیبهشت ۱۲۹۹ / ۱۶ مه ۱۹۲۰  
جمهوری اول

۲۴ ذیقعه ۱۳۳۸ / ۱۸ مرداد ۱۲۹۹ / دهم اوت ۱۹۲۰  
جمهوری دوم

۲۴ رمضان ۱۳۳۹ / ۱۰ خرداد ۱۳۰۰ / اول ژوئن  
۱۹۲۱ آشتی میرزا با کمونیستها

۱۵ ذیقعه ۱۳۳۹ / اول مرداد ۱۳۰۰ / ۲۴ ژوئیه ۱۹۲۱  
آمدن حیدر خان به ایران

اول ذیحجه ۱۳۳۹ / ۱۴ مرداد ۱۳۰۰ / ۶ اوت ۱۹۲۱  
شکست احسان الله خان

۳ ذیحجه ۱۳۳۹ / ۲۴ مرداد ۱۳۰۰ / ۱۶ اوت ۱۹۲۱  
جمهوری سوم

۲۶ محرم ۱۳۴۰ / ۷ مهر ۱۳۰۰ / ۳ سپتامبر ۱۹۲۱  
واقعه ی ملاسرا

۵ ربیع الاول ۱۳۴۰ / ۱۴ آذر ۱۳۰۰ / ۶ دسامبر ۱۹۲۱  
مرگ کوچک خان



## پانوشتها

۱- سید جعفر محسنی ( صومعه سرایی ) از کارمندان سابق وزارت امور خارجه که از آغاز فعالیتهای نهضت جنگل با آنها همکاری می کرد و از اعضای فعال نهضت بود در هیات دولت جمهوری اول نیز به عنوان کمیسر خارجه انتخاب شده بود. وی پس از شکست قطعی انقلاب دوباره در وزارت خارجه مشغول کار شد ولی بعد از مدتی منتظر خدمت گردید.

۲- حدس چاپ این تمبرها در روسیه شوروی به علت مشابهت زیادی است که بین این نمبرها با تمبرهای شوروی چاپ شده در این سالها از نظر تصویر، نوع چاپ و نوع کاغذ وجود دارد، دور از ذهن نیست.

۳- احتمال سفارش این تمبرها در جمهوری سوم و بعد از آمدن حیدر خان عمو اوغلی نیز دور از ذهن و بعید نیست که حیدر خان در ضمن مکاتباتی که با هم مسلکهای خود در شوروی داشت سفارش تهیه ی آن تمبرها را داده باشد تا قبل از تهیه ی تمبر ی که بسرعت منجر به از هم پاشیدگی تشکیلات نهضت جنگل شد ، فرصت ارسال آن به گیلان فراهم باشد

## منابع:

۱۰- کسروی، احمد تاریخ هجده ساله آذربایجان

۱۱- کشاورز، فتح الله نهضت جنگل . اسناد محرمانه و گزارشها

۱- آراین پوریحیی از صبا تانیمیا

۲- جودت، حسن یاد بوهای انقلاب جنگل

۳- دیوسالار، علی فتح تهران و اردوی برق

۴- فخرایی، ابراهیم سردار جنگل

۵- فخرایی، ابراهیم گیلان در جنبش مشروطیت

۶- فرید، ناصر سرنوشت استعمار در ایران

۷- شعاعیان، مصطفی شوروی و نهضت انقلابی جنگل

۸- جنگلی، اسماعیل قیام جنگل مقدمه اسماعیل رایین

۹- کاشی چی، ناهید (ترجمه) جنبش آزادی بخش میهنی در ایران. مولف: ماریانوا

۱۲- کیافرنوری نهضت جنگل و میرزا کوچک

۱۳- مهنوش، صادق تاریخ جنگل

۱۴- میرزا صالح، غلامحسین جنبش میرزا کوچک خان بنا به گزارشهای سفارت انگلیس

۱۵- هدایت، مخیرالسلطنه گزارش ایران

۱۶- یقیکیان، گریگور شوروی و جنبش جنگل

۱۷- رواسانی، دکتر شاپور نهضت میرزا کوچک خان جنگلی اولین جمهوری شورایی

۱۸- دوره ی روزنامه ی جنگل

۱۹- مقالات پراکنده از روزنامه های ایران، همشهری و کیهان